

یادداشت

فرصت کرونا برای بازسازی سرمایه اجتماعی

زهرا کریمی

● در سال‌های اخیر مقالات زیادی درباره اهمیت سرمایه اجتماعی در عملکرد اقتصادی کشور، در مجلات و روزنامه‌ها منتشر شده است. کارشناسان تأکید دارند که با اقدامات نامناسب و خلاف باور عمومی سرمایه اجتماعی به‌سرعت کاهش می‌یابد؛ در مقابل بازسازی سرمایه اجتماعی دشوار و بسیار زمان‌بر است. متأسفانه در دهه اخیر شکاف دولت – ملت در ایران تعمیق شده که یکی از نشانه‌های جدی افول سرمایه اجتماعی است. بی‌باوری درباره وعده‌های نهادهای مختلف حاکمیتی و اخبار رسمی، نارضایتی فراینده و گرایش به پذیرش شایعاتی که در فضای مجازی انتشار می‌یابد، از دیگر علائم ضعف سرمایه اجتماعی است. برای مقابله با شیوع ویروس کرونا در کشورهای مختلف جهان، دولت‌ها به‌سختی تلاش می‌کنند. مسلمانا مهار این ویروس کار آسانی نیست، به‌همین‌دلیل چالش‌سی مهم برای آزمون کارایی دولت است. به نظر می‌رسد که دولت چین از این آزمون دشوار سربلند بیرون می‌آید. برای دولت ایران که تحت فشار تحریم‌های سخت آمریکا است و پیش از شیوع کرونا نیز با رکود اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، وضعیت دشوارتر است. باوجوداین ایران می‌تواند از فرصت کرونا برای بازسازی سرمایه اجتماعی نیز استفاده کند. به طور مثال در کنار اقدامات بهداشتی و درمانی برای مهار ویروس کرونا، دادن صد گیگابایت اینترنت پرسرعت به کاربران سیاست بسیار خوبی بود. برای خانواده‌هایی که در استان‌های مختلف کشور کمابیش در قرنطینه قرار گرفته‌اند و عمدتاً وقت خود را در خانه می‌گذرانند، استفاده از این بسته بسیار مفید بوده است. مرخصی زندانیان اقدام مثبت دیگری است که از بروز فاجعه شیوع بیماری کووید ۱۹ در محیط زندان جلوگیری می‌کند. اخبار دقیقی درباره مرخصی زندانیان سیاسی و امنیتی منتشر نشده است؛ ولی گروهی از خانواده‌های این زندانیان همچنان نگران سلاست بستگان خود هستند که در شرایط ناساعد زندان با تهدید بیماری کووید ۱۹ مواجه هستند. این مورد نیز فرصت مناسبی برای نظام جمهوری اسلامی ایران است که نشان دهد به سلامت همه شهروندان بدون توجه به دیدگاه‌های سیاسی آنان حساس است و برای مرخصی زندانیان سیاسی وضعیتی مشابه دیگر زندانیان در نظر بگیرد. فرصت دیگر شیوع بیماری کرونا، افزایش مراودات ایران با نهادهای بین‌المللی و فشار برای کاهش محدودیت تحریم‌های آمریکا و برای واردات همه اقلام مرتبط با امنیت غذایی و دارویی در کشور است. اقتصاد ایران در شرایط کنونی، بیش‌ازپیش به ثبات و آرامش نیازمند است. استفاده مجانی از اینترنت و مرخصی زندانیان در شرایط شیوع ویروس کرونا و افزایش ارتباطات بین‌المللی برای مهار ویروس، نشانه‌های خوبی از برنامه‌های عقلانی و صحیح ایران برای کاهش فشار روانی و افزایش ایمنی مردم است. بی‌تردید این گونه اقدامات مثبت بازخورد مناسبی در ایران و جهان ایجاد خواهد کرد و منافع آن بسیار فراتر از هزینه‌های احتمالی است.

✦ **عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران**

خبر

سیدرضا اکرمی:

نباید فرد یا گروه خاصی را مقصر کرونا بدانیم

● **ایرنا:** سیدرضا اکرمی گفت: «بدون تعارف کرونا یک بلا و فاجعه و به تعبیر رهبر معظم انقلاب این ویروس منحوس است؛ بنابراین باید دست به دست هم بدهیم و خطر را جدی بگیریم و وحدت را ارزشمند بدانیم و کوشش کنیم با کمترین خطر از این شرایط خارج شویم».او درباره کسانی که اوایل خطر ویروس کرونا را جدی نگرفتند و با حضور در مکان‌های زیارتی مردم را تشویق می‌کردند، اظهار کرد: «این عمل از روی جهل اتفاق افتاد، ولی وقت ملامت‌کردن کسانی که بی احتیاطی را ترویج می‌کردند، نیست». او با بیان اینکه این ویروس مذهب، رنگ، مرز، زمان، مکان و جغرافیا نمی‌شناسد، یادآور شد: «نباید فرد و گروه خاصی را مقصر بدانیم؛ زیرا این گرفتاری برای همه است».

۲۵ اسفند ۱۳۱۱ آغاز محاکمه سَری عبدالحسین تیمورتاش، مرد بانفوذ دربار پهلوی اول در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱ است. فقط چهار سال از شاه مملکت کوچک‌تر بود؛ اما پیشینه متفاوتش و توانمندی‌های فردی‌اش به او جایگاهی ویژه بخشید. رضاشاه بارها به وزرا و کارمندان عالی‌رتبه دولت گفته بود که حرف تیمور حرف من است. به تیمورتاش هم گفته بود که امور نظامی ما من و مابقی امور با تو؛ اما همان‌طور که صعودش سریع بود، افولش هم یکباره رخ داد.

تیمورتاش فرزند یک زمین‌دار بجنوردی، دانش‌آموخته مدرسه نظام نیکلای روسیه و مسلط به زبان‌های خارجی بود. اروپا دیده و اهل آداب جدیده بود و کاملاً از این نظر با رضاخان متفاوت بود. تیمورتاش یک امتیاز دیگر هم داشت. او شازده قاجاری نبود و همین امتیازش در برابر دیگر رَجُل قاجار دستگاہ پهلوی بود. او نمونه یک رَجُل به غایت مدرن بود. این را هم در سبک زندگی و هم افکارش بروز داده؛ یعنی همان چیزی بود که رضاشاه می‌خواست و همین بیشتر او را به شاه نزدیک می‌کرد و شاید هم‌زمان هم بیمناکش، به‌ویژه در روابط خویش با خارجی‌ها.

روند نزدیک شدن او به شاه آینده مملکت، از مجلس پنجم رقم خورد. او پیش‌تر هم چند دوره نماینده مجلس بود. ورودش به عرصه سیاست با مجلس دوم رقم خورد. اگرچه ابتدا به علت قَلت سن به او ایراد گرفتند و مانع شدند؛ اما پدرش جماعتی را در خراسان ولیمه داد و آنها هم به‌شهادت دادند که سنش ۳۰ سال است. بعداً مدتی حاکم والی گیلان و سیستان بود و بعد از کودتای ۱۲۹۹ به علت انتقاد از سیاست‌های صدق‌قاجاری سیدضیاءالدین طباطبائی مدتی بازداشت شد. بار کناری سیدضیاء آزاد و در کابینه مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و بعد به توصیه قوام‌السلطنه والی کرمان شد. دست آخر ولایت کرمان را وانهاد و از نیشابور نامزد مجلس پنجم شد. ورودش به مجلس مقارن بود با رئیس‌الوزرای رضاخان در دوره احمدشاه. آغاز زندگی او به شاه آینده از همین مجلس کلید خورد. حسن محمدی در مطلبی با عنوان تاملی در علل «صعود و سقوط تیمورتاش» می‌نویسد که در مجلس، تیمورتاش خود را هر چه بیشتر به رضا شاه نزدیک کرد و چون رئیس کمیسیون نظام مجلس بود، بیش از همیشه با رضاشاه سروکار داشت و در مجلس هم مدافع او بود. یک سال بعد سردار سپه به دولت رفت و تیمورتاش را هم با خود برد و وزیر فواید عامه و تجارتش کرد. او دروغ‌حال رابط بین رضاشاه و سفارت شوروی هم بود. همان‌طور، فروغی که وزیر مالیه بود، رابط با سفارت انگلستان شد. رضاخان که به فکر فرماندهی کل قوا افتاد، تنها فردی که تصور می‌کرد در برابرش مخالفت کند، مدرس بود. تیمورتاش وظیفه یافت با مدرس صحبت کند و نظرش را جلب کند. مدرس بعد از صحبت با تیمورتاش به جناح اقلیت مجلس پیغام فرستاد که با اصلاحاتی طرح دولت را تأیید کنند. اقلیت هم به تبعیت از مدرس با طرح موافقت کرد. این البته تنها مأموریت موفق تیمورتاش در داخل به نفع رضاخان نبود و تا زمان بدل‌شدن خان به شاه و در دوران پادشاهی هم ادامه داشت. تیمورتاش در کنار داور و نصرت‌الدوله فیروز برای به سلطنت رساندن رضاشاه این مذاکرات را بیرون و داخل مجلس ادامه داد و نهایتاً موفق شد. رضاشاه در تاریخ پنجم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ در کاخ گلستان تاج‌گذاری کرد و به این وسیله حکومت پهلوی رسماً آغاز شد.

رضاشاه بنا به توصیه دروست دیرینه‌اش– دبیر اعظم بهرامی – تیمورتاش را به‌عنوان پست وزیر دربار خود برگزید. نقل است هنگامی که دبیر اعظم برای تصدی پست وزارت دربار شخص تیمورتاش را کاندیدا کرد، رضاشاه خطاب به او گفت: «تیمور خوب است، فقط بیش از حد با خارجی‌ها معاشرت دارد». همین تردید شاه بر سر معاشرت بیش از حد تیمورتاش با خارجی‌ها بود که بالاخره کار دستش داد. بااین‌حال مأموریت موفق تیمورتاش در داخل به نفع رضاخان نبود و تا زمان بدل‌شدن خان به شاه و در دوران پادشاهی هم ادامه داشت. تیمورتاش در کنار داور و نصرت‌الدوله فیروز برای به سلطنت رساندن رضاشاه این مذاکرات را بیرون و داخل مجلس ادامه داد و نهایتاً موفق شد. رضاشاه در تاریخ پنجم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ در کاخ گلستان تاج‌گذاری کرد و به این وسیله حکومت پهلوی رسماً آغاز شد. تیمورتاش با من و مابقی امور با تو. به‌این‌ترتیب تیمورتاش در سیاست داخلی و خارجی کشور فعال مایشاد. او نقش مذاکره‌کننده ارشد را بعداً در دوران سلطنت رضاشاه همچنان حفظ کرد. تیمورتاش در موارد دیگری هم توانست قضا را به نفع رضاشاه تغییر دهد. ازجمله در انتخابات مجلس ششم و هفتم امکان ورود مخالفان دولت به مجلس را گرفت؛ حتی گفته شده که همه حکام ولایات و نمایندگان، سفرا و وزیرمختاران با نظر او انتخاب می‌شد.تیمورتاش در سیاست داخلی هم بسیار فعال بود. او به همراه علی‌اکبر داور و نصرت‌الدوله فیروز سیاست‌های کلان مدرنیزاسیون کشور را به پیش می‌بردند. در میان اوراق و اسناد باقی‌مانده از تیمورتاش، سندی یافت شده که نشان می‌دهد او برای ایجاد تحولات عمیق در کشور طرح‌های گسترده‌ای داشته است. در این سند که به خط اوست، آمده که دولت ایران برای پیشرفت کشور باید یک‌سری از اصلاحات بنیادین را انجام دهد. برخی از این اصلاحات عبارت بودند از: منسوخ‌کردن القاب و عناوین، کوتاه‌کردن دستت وزامینون از آموزش و فرهنگ،کم‌کردن تعداد مستخدمین دولتی، مبارزه با برکومیر نوژادان و اجرای سیاست ازدیاد جمعیت کشور، مبارزه با امراض واکیر و مسری، جلوگیری از استعمال تریاک، گسترش تربیت بدنی در مدارس، اصلاح خط فارسی و اجباری کردن تدریس به آن زبان، ترویج لباس و کلاه متحدالشکل، فرستادن دانشجوینان به خارج از کشور، تشویق مردم به استفاده از کالاهای ساخت داخل کشور و ده‌ها مورد دیگر که مطرح‌کردن آنها در این مختصر امکان ندارد.

سیاست

۸۷ سال پیش در چنین روزی

آغاز محاکمه مرد مذاکره



ازجمله نقش‌آفرینی‌های او در داخل می‌توان به ماجرای شورش عشایر و اعتراض علما به قانون نظام وظیفه اشاره کرد. در پی تصویب قانون نظام وظیفه و اعتراضاتی که از شهرها و روستاها برخاسته بود، شاه، تیمورتاش، وزیر دربار را به قم فرستاد تا با علمایی که از اصفهان به قم مهاجرت کرده بودند، صحبت کند؛ اما آنها از ملاقات با تیمورتاش سر باز زدند. این بار پولیتیک دیگری زده شد و مدتی بعد تیمورتاش به همراه وزیرالوزرا و دو روحانی فرمانبردار دربار، به قم اعزام شدند. این بار نتیجه متفاوت بود و بستری از توافق را فراهم کرد. شاه با آیت‌الله فشارکی و آیت‌الله اصفهانی، تلگراف‌های ستایش‌آمیزی مبادله کردند که در مطبوعات آن زمان چاپ و منتشر شد. بااین‌حال استفانی کروین، نویسنده مطلب «نوگرایی، تحول و دیکتاتوری در ایران»، نقشی فراتر از یک مذاکره‌کننده ارشد برای تیمورتاش قائل بوده و معتقد است اصلاحات رضاشاه با تسلطی که مشاورانش، یعنی تیمورتاش، مظفر فیروز و علی‌اکبر داور داشتند، هماهنگ بود و نیروی محرک و پشتیبان این نوسازی، این گروه سفیره بودند.

برآمدن رضاخان اندک‌اندک حال‌وهوای مملکت را به سوی ایرانی‌گرایی و متجددمآبی سوق می‌داد، پس طبیعی بود که پسر کریمداد نرندی که در روسیه «خان نرندیسکی» و در بازگشت به مملکت قجر «سردار معظم خراسان» شده بود، اینک «تیمورتاش» شود؛ همان‌گونه که نصرت الدوله، فیروز شده و میرزا علی‌اکبرخان مدعی العموم نیز به داور شهرت یافته بود. این سه نفر متحدانی بودند که اتحاد مثنّی شدند برای ارتقای سردارسپه به پادشاهی ایران و ایجاد انقلاب در سلطنت؛ انقلابی که سر هر سه نفر را به یاد داد. در این میان، تیمورتاش با قد و قامت خدنگ، کلام موقر و پرنسیپ ذاتی در نوک مثلث قرار می‌گرفت.

مرد مذاکرات پهلوی اول

او اگرچه از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۰ وزیر دربار بود، اما سکان سیاست خارجی را با وجود تشکیلات وزارت خارجه و وزیر خارجه، عهده‌دار شد و مستقیم با شاه در ارتباط بود؛ از این رو، نقشی مهم در سیاست خارجی ایران داشت. بخش مهمی از ادعاهایی که بر سر اعاده حاکمیت ملی ایران در نقاط شمالی بعد از جنگ جهانی اول با حکومت شوراهای وجود داشت و در آستانه تغییر سلطنت هنوز حل نشده بود، باعث ایجاد مسئله مذاکراتی بین سفیر متحدانی بودند و دولت ایران شد؛ ازجمله بحث درباره امور کنسولی، تقسیم آب‌های سرحدی و اجازه صدور کالاهای ایران که با موفقیت‌هایی همراه بود. مسئول مذاکره با شوروی از سوی رضاشاه، تیمورتاش تعیین و قرار شد او سفری به شوروی داشته باشد. بااین‌حال، نگرانی انگلستان از پیشرفت مذاکرات ایران و شوروی و احتمال مشارکت ایران در ائتلاف منطقه‌ای، باعث ناگهانی تیمورتاش در آذر همان سال انجام و مذاکرات که ظاهراً به یک توافق نهایی نزدیک شده بود، روال دیگری یافت. روند مذاکرات از حالت مستقیم پیشین خارج شد و از طریق مجاری عادی، یعنی سفارت ایران در مسکو دنبال شد. در این میان به تیمورتاش مأموریت دیگری واگذار شد؛ مذاکره با انگلستان، با اختیاراتی شبیه اختیارات پیشین و هدف آن هم مسائلی مانند تعرفه‌های گمرکی، دل‌شورای‌های ناشی از لغو کاپیتولاسیون، امتیاز خلیج فارس جنوب و از همه مهم‌تر احاد حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی خلیج فارس بود. این مورد آخر چیزی نبود که به مذاق انگلستان خوش بیاید. باکستر، معاون وزیر روز خارجه بریتانیا، دراین‌باره نوشته بود: «بیانات وزیر دربار بسیار نگران‌کننده است؛ چراکه وی دو مورد بسیار مهم، بحرین و عراق را مطرح کرده است که ما به‌هیچ‌وجه قادر به کوچک‌ترین سازش درباره آنها نیستیم. لذا سر رابرت کلایو (سفیر انگلستان در ایران) باید بی‌درنگ به این دیدگاه تیمورتاش اعتراض کند و به وی تفهیم نماید که دولت اعلیحضرت پادشاهی بریتانیا نمی‌تواند بر ادعای مالکیت ایران بر بحرین صحه گذارد. از سویی ما نمی‌توانیم به قیمت از دست‌دادن عراق، قراردادی با ایران امضا کنیم». این مذاکرات با این حال در ابعدای موفقیت‌آمیز بود و برای دیپلماسی تیمورتاش یک پیروزی به حساب می‌آمد. تیمورتاش موفق شده بود انگلستان را مجاب به پذیرش تعرفه گمرکی ایران کند و بر اساس آن بریتانیا استقلال گمرکی ایران را به رسمیت بشناسد و انگلستان از حق خود در کاپیتولاسیون و تعرفه گمرکی محروم شود؛ اما در ابعاد دیگر مذاکرات، یعنی مسئله خلیج فارس، دستاوردی نداشت. تیمورتاش برای حل مسئله بحرین و جزایر، مانند مسئله تعرفه گمرکی، تهدید کرده بود در صورت شکست مذاکرات، او به ناچار طرح تحدید قلمروی دریایی را برای تصویب به مجلس خواهد فرستاد. انگلستان اصلاً حاضر به کوتاه‌آمدن نبود؛ به‌ویژه اینکه اضافه‌شدن موضوع مذاکره با شرکت نفت در سال ۱۳۰۷،

به فهرست اختلافات ایران و انگلستان افزود. تیمورتاش نیز در قبال پیشنهادهای غیرقابل رد قبال

پذیرش دولت بریتانیا، طرح خود را که بیشتر بر چهار نکته تأکید داشت، به سفیر بریتانیا تحویل داد. تیمورتاش در این طرح، ابتدا مسئله اخذ مالیات از شرکت نفت را مطرح کرده و خواهان پرداخت آن از سوی شرکت نفت به ایران شده بود. تیمورتاش در ادامه بیان کرده بود در صورتی که دولت بریتانیا از پرداخت مالیات به ایران امتناع کند، ایران نیز مجبور خواهد شد خود بر شرکت نفت مالیات وضع کرده و آن را وصول کند. در بخش بعد، تیمورتاش به طرح مسئله نفت و مذاکره با شرکت نفت پرداخته و موفقیت این بخش از مذاکرات را منوط به حسن‌نیت دولت بریتانیا دانسته بود. تیمورتاش در ادامه با بیان اینکه ایران به دنبال محدودکردن رفت‌وآمدهای گشتی‌های دولت بریتانیا نیست، نوشته بود: «دولت ایران همیشه مقدم آنها را گرمی داشته است، ولی باید آنها نیز براساس معاهدات بین‌المللی قبل از ورود به بنادر ایران ورود خود را اطلاع داده و از دولت ایران مجوز ورود دریافت دارند. البته، در مواقع اضطراری تنها کافی است که با حاکم محلی هماهنگی صورت گیرد». در ادامه نیز تیمورتاش بحث جزایر ابوموسی و تسب را مطرح کرده بود. تیمورتاش بار دیگر شهریه‌رو ماه ۱۳۱۰ برای انجام یک دوره مذاکرات با سرجان کدمن رئیس هیئت مدیره شرکت نفت به انگلستان رفت. مذاکره یک ماه طول کشید اما به نتیجه نرسید. بعد از آن با وزیر خارجه انگلستان ملاقات و مذاکره کرد اما آن هم بی‌فایده بود. گفته‌اند که تیمورتاش تلاش داشته سهم ایران از فروش نفت را از ۱۶ به ۲۵ درصد برساند اما هیئت‌مدیره شرکت نفت زیر بار نمی‌رفته‌اند. این ادعای مصطفی فاتح کارمند عالی‌رتبه شرکت نفت و نویسنده کتاب ۵۰ سال نفت ایران است که بر تلاش تیمورتاش برای استیفای حقوق ایران در برابر انگلیس در ماجرای مذاکرات صحه می‌گذارد.

در این شرایط، ایران که از حل مسائل خود با انگلستان قطع امید کرده بود، دوباره چشم به شوروی دوخت. کاوه بیات معتقد است که این دوره، آغاز سیاست نزدیکی به شرق در ایران بود. ایران احتمال یک رویارویی بین شوروی و غرب را می‌داد. تبلیغات شوروی هم مؤثر بود و احتمالاً دولت ایران آن را جدی گرفت. در این میان ایران باید مؤتلف یکی از این دو می‌شد؛ با شوروی یا انگلستان و احتمالاً بعد از لایحل‌ماندن اختلافات با انگلستان به سمت شوروی می‌رفت. این را می‌توان از نامه تیمورتاش به شرکت نفت در سال ۱۳۱۰ و خواسته‌هایی که در این نامه آمده بود هم دریافت. نامه حاکی از این بود که هدف ایران نه ادامه مذاکرات ناتمام سال پیش بلکه زیرسؤال‌بردن تمامی منافع بریتانیا در جنوب است. این نامه با اقداماتی چون شروق دور دیگر مذاکرات با شوروی و شایعاتی مانند اعطای امتیاز بهره‌برداری از نفت شمال به شوروی‌ها با انعقاد یک قرارداد دفاعی همراه شد. اگرچه برخی هم معتقدند که هدف از مذاکره با شوروی نه تغییر سیاست به سمت شرق بلکه صرفاً انداختن بیم در دل انگلستان به عنوان روشی دیپلماتیک برای قوی‌اندن شرایط خود به طرف مقابل بوده است. یک‌دهم از این دو نظریه که درست باشد اما در نهایت سببه ایران آن‌قدر پرزور نبود که موفق شود. در کل اتفاق خاصی رخ نداد و شرکت نفت نه تنها حاضر به دادن هیچ امتیازی نشده، بلکه برعکس سهم ایران از عایدات امتیاز نفت را کاهش هم داد.

بیرون‌داد این دیپلماسی تنها یک نتیجه داشت و آن هم افول تیمورتاش بود. در همه این رخدادها تیمورتاش؛ چه با رأی شخصی چه با مشورت شاه اقدام کرده باشد اما در نهایت آخرین نخست تلقی می‌شد. این نقش‌آفرینی اما در همان سال با عزل او از وزارت دربار و تحت نظر قرارگرفتن در خانه پایان یافت. به نوشته «بیات» با وجود تیمورتاش، رضاشاه شخصاً آخرین پرده سیاست شرقی او را بازی کرد که به شکست انجامید و قرارداد داری تمدید شد. «بیات» معتقد است که با توجه به وضعیت ایران و رقابت قدرت‌ها در منطقه بعد از نظر می‌رسد یکی نوع معقول‌تری از دیپلماسی در آن زمان می‌توانست تمام خواسته‌های ایران را برآورده کند. شکست سیاست شرقی باعث شد ایران در برابر ترکیه و افغانستان هم عقب‌نشینی کند و ۱۶۰ فرسخ از خاک ایران براساس حکمیت ترکیه به افغانستان واگذار شد و علاوه بر آن ایران، ارتفاعات آزارات را هم به ترکیه واگذار کرد. سیاست نزدیکی به شرق، کشور را بیش از اندازه به شوروی‌ها نزدیک می‌کرد و این نگرانی انگلستان را برمی‌انگیخت. این نگرانی چیزی نبود که مستقیم یا غیرمستقیم از سوی انگلوفیل‌های دربار ایران و مخالفان و رقیبان تیمورتاش مانند تنقید زاده، فروغی یا دیگران به شاه منتقل نشود. خیلی‌ها از نقش انگلستان در برافتان تیمورتاش می‌گویند و معتقدند مطلب روزنامه تایمز در دی ماه ۹۲ درباره تیمورتاش تیر خلاص را به شقیقه او زد. گرچه پیش از چاپ این مقاله، هوزر وزیرمختار انگلستان در سقوط تیمورتاش را به نقل از شایعات در محافل سیاسی تهران به لندن رسانده بود. اما چاپ مقاله، شایعه را به جبر بدل کرد.دیگر اینکه شکست مذاکرات با انگلستان با انتشار خاطرات آقاییوف جاسوس شوروی که به غرب گریخته بود هم‌زمان شد. او در خاطراتش که سال ۱۳۰۸ در فرانسه منتشر شد، از یکی از کارمندان وزارت فوائد عامه که با تیمورتاش رابطه نزدیکی دارد به عنوان جاسوس شماره ۴ نام می‌برد. این هم نه چیزی بود که در تضعیف موفقیت تیمورتاش بی‌تاثیر باشد و نه از چشم انگلیسی‌های دور بماند. نویسندگان مقاله «تیمورتاش قربانی منافع انگلیس در ایران» منتشرشده در فصلنامه گنجینه اسناد، پاییز ۹۲، با اشاره به نامه سفیر بریتانیا به بالادستی‌های خود با این مضمون که «تیمورتاش اکنون در تعیین خط مشی سیاست‌های داخلی و خارجی چنان مطلق‌العنان گشته که متأسفانه تا زمانی که وی در مسند کار باشد، آیدمی به بهبود شرایط موجود نیست» می‌نویسند: «او در گزارش‌های خود به لندن از شخصیت ناسازگار و حتی عقده

ضد انگلیسی تیمورتاش سخن به میان می‌آورد. بنابراین، وجود تیمورتاش برای کسب امتیاز نفت که هم‌زمان در جریان بود مانعی به شمار می‌رفت که باید از سر راه برداشته می‌شد.»جله محرمانه تیمورتاش با روس‌ها در بازگشت از سفر انگلستان به تردیدهایی بریتانیا پایان داد. آنان تصمیم به حذف تیمور به ظن جاسوسی برای روس‌ها گرفتند. یکی از کسانی که در این زمان قلب تیمور را نشانی رفته بود، محمدحسین آیرم بود که از قضا او نیز تحصیل‌کرده روسیه و سن‌پترزبورگ بود و اینک ریاست نظمیۀ کل کشور را بر عهده داشت و با تأسیس و تشکیل اداره سیاسی در نظمیۀ به چشم و گوش شاه تبدیل شده بود. گزارش همه رفتار و کردار تیمورتاش به شاه یکی از هیجان‌انگیزترین و مهم‌ترین کارهای روزانه آیرم محسوب می‌شد که سرانجام منجر به دردام‌انداختن این نهنگ بزرگ در تور هوলাک رضاشاه شد. جایزه این صید بزرگ، قبه‌های سرلشکری بود بر شانه‌های آیرم. عبدالحسین تیمورتاش پس از بازگشت از روسیه تا قارارگرفتن در پشت میله‌های زندان رضاشاه زمان زیادی را سیری نکرد و دودتر از آنچه تصور می‌کرد و پیش از آنکه فرستاده شوروی برای شفاعت او به تهران برسد، در سیاحت در ۱۱۳۳ تنهٔ مهم‌ر ماه سال ۱۳۱۲ در زندان قصر طعمه پزشک احمدی شد.

آینده

منابع

پیش‌نیاز خلوت‌سازی شهرها

● **رضا خسروی:**.. تجربه این مدت در دنیا نشان می‌دهد بدون این بسته حمایتی- اقتصادی نمی‌توان و نباید از مردم خواست با آنها را مجبور به قرنطینه یا سایر اقدامات کرد. این اقدامات حمایتی باید در قالب کمک‌های سریع نقدی به همه خانواده‌هایی که منبع درآمد خود را در شرایط قرنطینه از دست می‌دهند، باشد. این خانواده‌ها آناهایی هستند که سرپرست خانواده، درآمد ثابتی از دولت یا شرکت‌های وابسته ندارد. این افراد به راحتی در سامانه یا‌انه‌های کشور قابل شناسایی هستند. تمام خانواده‌ها باید به میزان حداقل حقوق یک ماه یک خانواده کارگری یا کارمندی، مابقی را در حساب خودشان دریافت کنند. در کنار این اقدام، باید بسته حمایت از صنایع کوچک و صاحبان مشاغل آزاد به‌صورت تخفیف مالیاتی، معافیت سودهای بانکی و نیز اعطای وام‌های سرمایه در گردش اقدام کرد. همه این اقدامات باید به‌صورت یک بسته اجرا شود تا موفقیت آن تضمین شود. فرصت تعطیلات عید بهترین فرصت برای اجرای این طرح و قرنطینه است تا کمترین آسیب به شرکت‌ها و مردم وارد شود. امید اینکه سیاست‌گذاران، این‌بار اشتباهات قبلی را تکرار نکنند و به‌سرعت و طی دو هفته آینده رشد این بیماری در کشور متوقف شود و مردم به زندگی طبیعی خود بازگردند.

کیمان

نگاهی به دورخاد مهم در سوریه و عراق

● **سعداله زارعی:**... توافق چند روز پیش میان ترکیه و سوریه در واقع ادامه و بازسازی توافقی بود که در مهرماه میان پوتین و اردوغان امضا شده بود و خود این موضوع بیانگر شکننده‌بودن این توافق است، ارتش ترکیه اگرچه در طول این یک هفته و به‌طور غیرقانونی و برخلاف توافق مهر و اسفند با روسیه، صدها نیروی جدید و انواعی از جنگ‌افزار را وارد ادب کرده است اما قادر به حفظ توافق انجام‌شده نیست چراکه از یک سو بخش قابل‌توجهی از تروریست‌ها به توانایی اردوغان در مدیریت صحنه به نفع آنان اعتماد ندارد و از سوی دیگر ارتش سوریه ضمن آنکه تعهدی به توافق مورد اشاره ندارد، می‌تواند با هر اقدام تروریست‌ها دست به واکنش نظامی بزند و لذا دور نیست زمانی که ارتش عملیات آزادسازی ادلب را از سر بگیرد...

انتقد

شیوع شوخی‌بردار نیست

● **مسعود مردانی:**.. بسیار لازم است مردم این توصیه را رعایت‌کنند که حاکثر هر پنج روز یک‌بار، آن هم برای تأمین مایحتاج ضروری از منزل خارج شوند و یک نفر به نمایندگی از کل اعضای خانواده خرید مایحتاج ضروری را تقبل کند و به‌خصوص در این ایام، مدیریت مخارج بسیار ضروری است و به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود که کل اعضای خانواده حتی برای خریدهای ضروری از خانه خارج شوند. نتایج مطالعات ما در وزارت بهداشت نشان داد ۹۰ درصد مبتلایان کسانی هستند که در این روزها به مراکز خرید و مراسم عزاداری و عروسی و کلاس دانشگاه و زیارت و سیاحت رفته بودند. تأکید می‌کنم که حتی خود مردم باید برای کنترل تردهای اجتماعی پیش‌قدم و مطالبه‌گر شوند. واقعاً چه ضرورتی داشته که در این ایام، اماکن عمومی مثل بازارچه‌ها و مراکز خرید دایر باشد آن هم درحالی‌که دید و بازدید عید در این ایام کاری خطرناک و غیربهداشتی است؟ مردم یادشان باشد؛ برای خرید لباس نو همیشه وقت هست. با کاهش تردد در سطح شهر اجازه دیدهم که با آیدمی این بیماری گaste شده و این ویروس به سکون برسد وگرنه تا نیمه خرداد ماه باید میزان این ویروس در کشورمان باشیم.

روز

عمل قرارگهی برای مبارزه با کرونا

● **عباس حاجی‌نجاری:**.. با توجه به نوع و نحوه گسترش این ویروس و بحران انسانی و اجتماعی که برای چین، ایران و برخی دیگر از کشورها ایجاد کرده، گه‌گاهی‌ه در مورد احتمال حمله بیولوژیکی بودن این عارضه روزبه‌روز تقویت می‌شود... نوع عمل صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها در این عرصه این گمانه را روزبه‌روز جدی‌تر می‌کند. روز پنجشنبه خبرگزاری روتنرز به نقل از ژانلوی لیجان، سخنگوی وزارت خارجه چین، ارتش آمریکا را به انتقال آیدمی کرونا به شهر ووهان چین در جریان مأمولات ارتش‌های چهارم متهم کرده و مستندات آن را نیز نوع خبررسانی آمریکایی‌ها نسبت به این پدیده در کشورشان می‌دانند. گزاره دیگری که این گمانه را تقویت می‌کند نوع عمل صهیونیست‌هاست که مدعی کشف واکسن این بیماری شده‌اند، بدون اینکه تاکنون خود با آن درگیر شده باشند. هفته گذشته خبرگزاری روسی اسپوتنیک نیز در گزارشی، احتمال تولید این ویروس در آزمایشگاه‌های وابسته به ارتش و سازمان اطلاعات آمریکا را بسیار زیاد دانسته و بر این نکته تأکید دارد که آمریکایی‌ها سال‌هاست که نه فقط روی تولید میکروب‌ها، ویروس‌ها و سلاح‌های بیولوژیک سرمایه‌گذاری می‌کنند، بلکه حاضر نشده‌اند که هیچ معاهده بین‌المللی که این تسلیحات را منع می‌کند، امضا کنند.